



۲۰۱۶/۰۲/۱۴



دوكتور محمد اكبر يوسفی

## باز هم در باره "هویت ملی"!

از چندین سال به اینطرف، مقالات و نوشته های هموطنان ما را در رابطه با این مفاهیم، با علاقمندی خاص مطالعه می نمایم. در فرصت های مختلف، با استفاده از آثار علمی دانشمندان معروف جهان در بخش علوم اجتماعی، تاریخ و فلسفه، کوشیده ام، تا برخی از مفاهیم را، مطابق "ترمینولوژی" معمول علمی، از جهان "متمدن" امروزی، خدمت خوانندگان هموطن نیز تقدیم نمایم.

در یکسلسله مقالات، مفاهیم "ملت" و "ملت گرایی"، از طرز دید ها و ارزیابی های تاریخی "علمای" بخش های اختصاصی، تشریح شده است. در باره این موضوع، در بین علمای تاریخ و علوم اجتماعی، بطور عمده دو گروه، موجود اند. گروه اکثریت را "مدرنیست ها"، می نامند. این گروه "اکثریت"، اصطلاح و مفهوم "ملت" را بعد از انقلاب فرانسه، هم عصر و همزمان با تأسیس "دولت های ملی"، نخست در اروپای غربی و شمال امریکا می دانند. گروه دومی، که در عین حال اقلیت شناخته شده است، به مفهوم "ملت"، بعنوان پدیده "ابدی"، یعنی از همان آغاز "خلقت بشر" می نگرند، و آینده آنرا "ابدی" می نامند. در صف همین گروه دومی، حلقه های مختلف، "نژاد پرست" جا دارند، که دایما، از تمایلات "نژادی"، برای کسب قدرت و نفوذ سیاسی، مشغول بوده، با براه انداختن تبلیغات برتری "نژادی" از احساسات گروه های مختلف اجتماعی و "اینتی"، استفاده سوء، می نمایند.

خوانندگان محترم توجه نمایند، که ممکن این مفاهیم علاوه از اینکه از نگاه علوم، توسط دانشمندان "اکادمیک"، مطابق تعاریف معین اختصاصی توضیح شده باشد، نویسندگان و علاقمندان خارج از مؤسسات اکادمیک و علمی، نیز موجود بوده می توانند، که احتمالاً به ترشحات ذهنی خویش هم می پردازند و در مشابهت به داستان های "خیالی" در باره اصل و نسب و غیره مبادرت می ورزند. چنین ترشحات می تواند، با آنچه در نتیجه تحقیقات علمی، منتشر می گردد، مطابقت نداشته باشد. اکثراً، از نوشته های بعضی از هموطنان ما، هم چنین انتباه حاصل می گردد، که ممکن این دوستان، به زبان های خارجی و منجمله با "ترمینولوژی ها" و اصطلاحات علمی، آشنا نباشند و یا پابندی احساس ننمایند، یعنی به مفاهیم علما، ارزش ندهند. به تهیه این مطلب کوتاه پس از، مرور یک مقاله، که در یکی از "سایت ها"، انتشار یافته است، اقدام شده است. جناب ایشان مقاله را با این متن آغاز نموده اند:

"هویت ملی پدیده سیاسی و اجتماعی است، که از دوکلمه "هویت" و "ملت" تشکیل شده که انسانها در درازنای تاریخ، به نام: طایفه، قوم، قبیله، ملیت و یا ملت، یاد میشوند و هر یک از گروه های بشری دارای سرزمین، سنت، عادات، فرهنگ، دین، اقتصاد و تاریخ مشترک بوده، که هویت ملی آنها را بازتاب میدهد. هویت ملی تبارز دهنده، هویت گروه های قومی در یک سرزمین که به نام "ملت" شکل یافته اند، میباشد. واژه ملت، در نزد فرانسوی ها که افراد باکسب حقوق شهروندی اجازه انتخاب دولت را در سرزمین خود به دست میاورند "ملت" را تشکیل میدهد و در نزد المانها که افراد سنتها، زبان، فرهنگ، سرزمین و دولت مشترک دارند "ملت" میباشد، هگل و منتسکیو "هویت ملی را روح ملت" معرفی کرده ملت با اراده خود حاکمیت مردم را بوجود میآورد یعنی دولت - ملت و یا "دولت - کشور" را تشکیل داده که هویت ملی در آن بازتاب میآید. ("سایت "مشعل")

بررسی علمی و توضیحات لازم، در باره افاده های نویسنده، ایجاب فرصت زیاد و ضرورت به تحقیقات علمی وسیع می نماید، که درینجا گنجایش ندارد. حال بدون اینکه با نویسنده، راه بحث "پولیمیک" باز گردد، نخست توجه خوانندگان محترم را به مفاهیم ذیل جلب می نمایم، که این کلمات در جهان علوم در زبان های دیگر، به چه مفهوم یاد می گردد. از جانب دیگر آیا در معنی و مفهوم، هر یک از این کلمات، مفاهیم "مترادف" را هم در بر می گیرد و یا خیر و هم آیا کلمات "مترادف" از خود جای استعمال خاص هم می داشته باشد و یا خیر؟

در یک "فرهنگ فارسی - آلمانی" (از "هاینریش یونکر" و "بزرگ علوی") معانی مختصر این کلمه "هویت"، با مفاهیم ذیل ذکر شده است: "شخصیت"، "وجود"، "هستی"، "ماهیت"، "نهاد"، "مشخصه" («کرکتر» و «هماندی»، "برابری" («آیدینیتی»)).

آنچه در رابطه با کلمه "ملت" ارتباط می گیرد، باید نزد هر یک ما، واضح باشد، که کدام یکی از نتایج «تحقیقاتی» را، در نظر می گیریم. آیا ارزیابی "مدرنیست" ها، یعنی اکثریت را می پذیریم و یا از پیروان "ابدیت"، که از دید آنها، گویا از همان آغاز موجودیت انسان، وجود داشته باشد و این مفهوم "ملت" تا "ابد"، وجود خواهد داشت. در حالیکه مفهوم "ملت" با همان مفهوم مرحله اول تشکیل دولت ها و حکومتات "ملی"، در اروپا، بعد از «انقلاب فرانسه»، که تعاریف متعدد به آن داده شده، ثابت نمانده است. در نتیجه گذشته تلخ از "ناسیونالیسم نژاد پرست"، در آلمان، به پیروی از تعاریف "هیگل"، که مشی نظامی را در پیش گرفتند و فیلسوف معروف متوفی، "کارل پوپر"، بصراحت چنین افکار را محکوم نموده است، (در کتب خویش، تحت عنوان "جامعه باز و دشمنان آن" توضیح نموده است)، از همه "سیستم های یک حزبی و دیکتاتوری را"، که در رابطه با هویت های ملی و اجتماعی، اندیشه های نا درست را، بکار می برند، انتقاد بعمل آورده است. برخلاف آنها، رهبران سیاسی در جوامع دارای "سیستم های دیموکراسی" دیگر از مفهوم، "ملت گرایی" فاصله می گیرند. انقلاب فرانسه، نظام "پادشاهی یا امپراتوری های قلمروی"، نوع "فیودالیزم" را سقوط داده و نظام "فیودالی" را منجمله در اروپا، بسرعت ریشکن ساخته است.

بهتر اینست تا در ترکیب کلمات، صراحت هم، در افاده ترکیبی در نظر گرفته شود. در مفاهیم ذکر شده، در متن نقل یافته از مقاله نویسنده، در سلسله کلمات یاد شده، مفهوم ارائه شده ایشان درین سطر: "هویت ملی تبارز دهنده، هویت گروه های قومی در یک سرزمین که به نام "ملت" تشکل یافته اند، میباشد."، تا حدی نا درست و مغشوش کننده است. این درست است که مردم عوام، همه این گروه ها و گروه های اجتماعی را، اشتباه آمیز "ملت" می خوانند. اما "هویت ملی"، درینجا بر اساس مفاهیم، فقط تبعه را در خارج از کشور، با یک هویت مشترک، معرفی می کند. وقتی از "اتباع یک دولت" و تشکل یک "ملت" نام می بریم، باید بپذیریم که تعاریف و مفاهیم مختلف در تحت این کلمات یاد شده است.

هرگاه هدف این ترکیب "هویت ملی"، به ارتباط مفهوم "سیاسی" یاد شده باشد، بار دیگر تأکید می گردد که درین ترکیب، هدف از معرفت تمام اتباع یک جامعه، بمفهوم مناسبت تابعیت دولتی است، که دولت آن، بعنوان حاکمیت، در مطابقت با قوانین مسلط در یک جامعه، ازین قلمرو نمایندگی می نماید، و برای معرفی افراد جامعه یا اتباع آن، مشخصات معین فردی را هم با مشخصه مشترک، تعریف می نماید. آنچه فرد فرد جامعه یک مشخصه واحد را می داشته باشد، همان "هویت ملی" است، که در قانون اساسی یک کشور تذکار یافته است.

مثلاً در قانون اساسی افغانستان، به همه اتباع کشور، "افغان" نامیده اند، و "ملیت" هر فرد هم "افغان" و یا عضو "ملت" که بمفهوم تابعیت دولت افغانستان هدف است، یاد می شود. اصطلاحاتی که بمفهوم گروه های "ایتنی"، یا "قوم" و "طایفه" و "قبیله" یاد می شود، اجزای تشکل "ملت" درین کشور بوده، نه مساوی به مفهوم "کل"، یعنی چه یک قوم و چه یک فرد خارج از قوم را در جمله تابعیت و عضو "ملت" یاد می کنند. اما "قوم" و یا "طایفه" نمی تواند، ماهیت و مفهوم کل آنها داشته باشد، و بعنوان "ملت" یاد شود.

بار دیگر مفهوم "ملیت"، مناسبت فرد با این "پدیده ملت" که بمفهوم مدرن، هدف از حاکمیت دولت در یک سرزمین است، تعریف شده است. نه اینکه، بطور مختص با این مفهوم، یک قوم جداگانه، افاده شود. بطور مثال در ذکر کلمات "ملیت تاجیک"، "ملیت پشتون" و "ملیت هزاره"، توجه شود که بالترتیب مساوی به "تاجیک"، "پشتون" و "هزاره" نه، بلکه "ملیت" هر یک، "افغان" است. بعبارت دیگر "ملیت یک پشتون"، "افغان" است. بهمین ترتیب "ملیت یک تاجیک" هم "افغان" و "ملیت هزاره" هم "افغان" است. از بازی با کلمات باید خودداری نمود. مفهوم، حائز اهمیت است.

آنچه از اهمیت فوق العاده برخوردار است، اینست که تمام اجتماعات، که از ترکیب های متنوع گروه های مختلف اجتماعی با ریشه های نژادی متفاوت تشکیل یافته اند، در حیات روزمره، از ارزش های "فرهنگی" و "کلتوری"، مستفید می گردند. بعبارت دیگر، ازین ارزش ها آزادانه مطابق خواست و میل خود استفاده می نماید. ممکن هر

یک نظر به سطح تعلیمی که فرا گرفته است، و هم نظر به آشنایی و مهارت کلتوری حاصله، یا بنا بر مهارت ها و استعداد های هنری، و هم چنان به ارتباط فرا گرفتن درجات دانش، با کیفیت های متنوع، بشمول فهم، مهارت علمی، حیثیت و اعتبار، با تمام ارزش های بی شمار دیگر، بشمول توجه و احترام به حفظ کرامت انسانی و غیره ارزش ها، در جامعه صاحب دستاورد های فردی و موفق اجتماعی باشد.

در چوکات کلتور و فرهنگ و لیاقت فردی، ممکن است که برای هر فرد و هم در مجموع برای تمام جامعه یک سطح زندگی معین بخشیده شود. آنچه بحیث یک امر عام پذیرفته می شود، پیروی از قوانین یک کشور است، که در نتیجه توافق و همبستگی بین گروپ های مختلف "ایتنی"، قوانین وضع می گردد. قوانین در هر حاکمیت متفاوت بوده می تواند، در سیستم های "دیموکراسی"، همبستگی اجتماعی، در مراعات، قوانین دیموکراتیک وسیعتر می باشد. اما تطبیق مساوی را بر همه اتباع حتمی می شمارد.

قسمت زیادی از مفاهیم، در مقالات ذیل توضیح گردیده، بمنظور تسهیلات بیشتر، "لینک های" ذیل را خدمت خوانندگان محترم، تقدیم می داریم:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/yusufi\\_aya\\_millat\\_hastem.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_aya_millat_hastem.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/yusufi\\_aya\\_millat\\_hastem\\_2.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_aya_millat_hastem_2.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/yusufi\\_aya\\_millat\\_hastem\\_3.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_aya_millat_hastem_3.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/yusufi\\_aya\\_millat\\_hastem\\_4.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_aya_millat_hastem_4.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/yusufi\\_aya\\_millat\\_hastem\\_5.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_aya_millat_hastem_5.pdf)

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/yusufi\\_huwiat\\_afghan\\_tche\\_aiab\\_ast.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_huwiat_afghan_tche_aiab_ast.pdf)

پایان

---

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ